

with Cartoonists From the City of Qom

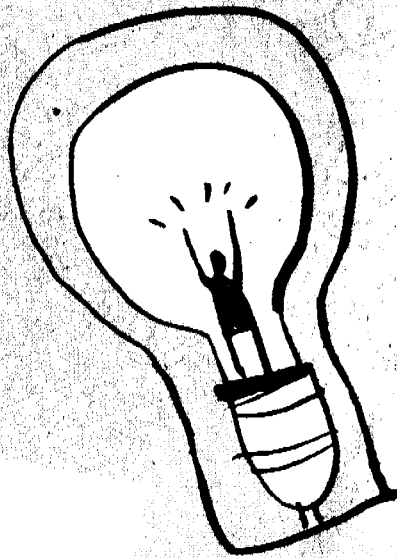
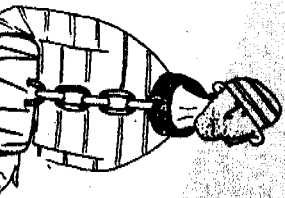
# کارتون کاریکاتور پرستاران

نشست تخصصی «کیهان کاریکاتور» با اعضای گروه کاریکاتور VIX قم ۵ مرداد در محل خانه کاریکاتور برگزار شد. پس از تأسیس خانه کاریکاتور ایران، هنگامی که فعالیت های کاریکاتورپرست های پایتخت جنبه رسمی تری به خود گرفت، رفته رفته شاهد تشکیل گروه ها و تشکل های کاریکاتور در شهرستان های تبریز، اهواز، اصفهان، شهرهای دیگر بودیم. این گروه ها امروز تقریباً در تمام نقاط کشور به همراه انجمن های کوچک و بزرگ وجود دارند و فعالیت می کنند. به نظر می رسد قبل از انقلاب پدیده کاریکاتور شهرستان معنایی نداشت و کاریکاتورپرست های تهرانی هم انگشت شمار بودند و قطعاً اگر در شهرستان هم کسی پیدا می شد که ذوق و استعداد کاریکاتور داشت، به فکر ترویج کاریکاتور در محل اقامتش نمی افتاد و به تهران می آمد تا همپای اندک کاریکاتورپرست تهرانی به فعالیت بپردازد.

همچنین بعد از انقلاب نباید سهم «کیهان کاریکاتور» را در ترویج کاریکاتور در شهرستان ها اندک دانست، زیرا همان طور که می دانیم این نشریه تنها نشریه تخصصی بوده که بعد از انقلاب به صورت حرفه ای در زمینه کاریکاتور فعالیت داشته است و اکثر



پیشگامان انسانی و اطلاعات در سال ۱۳۸۷

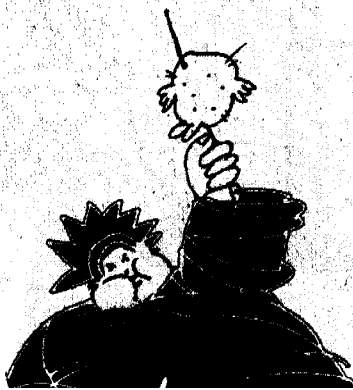


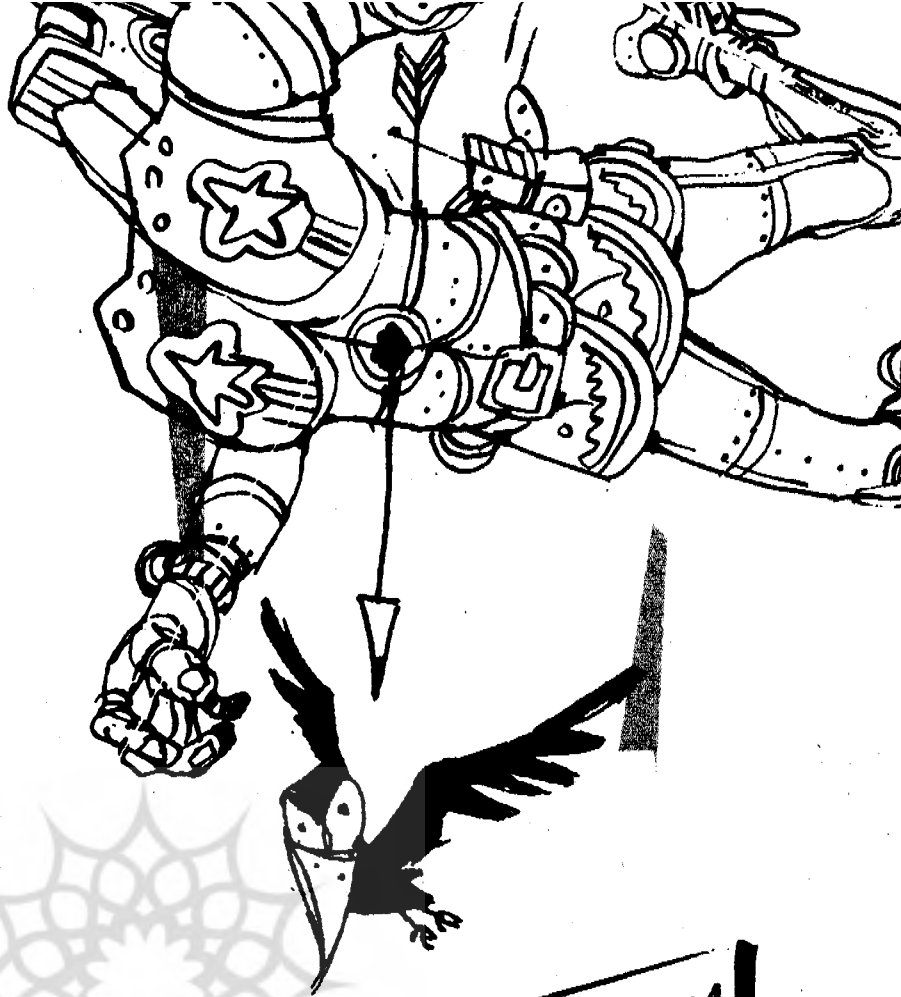
این گروه آقایان جلال محدثی، محمدرضا دوست محمدی، هادی طبسی، محمود مختاری، فریدالدین مولایی و محمدعلی دشتکی برگزار شد و آقای حسن موسی زاده که تنها غایب این نشست بود از پشت تلفن به سوالات ما در مورد گروه و فعالیت‌هایش پاسخ داد.

موسسی زاده در مورد شکل‌گیری گروه کاریکاتور VIX به اختصار گفت: من در گروه کاریکاتور VIX فقط نقش یک مشوق را داشته‌ام. سال ۱۳۸۰ بود که با پیشنهاد تعدادی از کاریکاتوریست‌های مستعد قم که به صورت پراکنده کار می‌کردند، گروه VIX را تشکیل دادیم. ابتدا ۶ ماه بچه‌ها هم‌دیگر را مک‌زدند و با استعدادهای هم آشنا شدند و کم‌کم جلسات گروه منظم‌تر و رفت و آمد اعضا رسمی‌تر شد. برای ترقی بیشتر گروه اقدام به چاپ مجموعه‌ای از کارهای اعضا کردیم، البته در این مجموعه نه به کاریکاتورها بلکه به اتودها و طرح‌های شخصی بچه‌ها پرداختیم که جایی برای ارائه‌شان نبود. (نگاه کنید به کتاب اسکس)

محدثی از اعضای گروه کاریکاتور VIX در ادامه گفت: هنگامی که قرار شد برای

بچه‌های شهرستانی به نوعی با آن در ارتباط بوده‌اند و همکاری کرده‌اند. خوشبختانه، در سال‌های اخیر گروه‌های شهرستانی فعالیت‌های قابل توجهی داشته‌اند و برگزاری نمایشگاه‌ها و مسابقات کاریکاتور و افتخاراتی که این عزیزان در عرصه کاریکاتور به دست آورده‌اند، نشان دهنده ظرفیت بالای کاریکاتور در شهرستان‌هاست. از این رو بر آن شدیم تا برخی از نشست‌های تخصصی «کیهان کاریکاتور» را به آشنایی بیشتر با فعالیت‌های گروه‌های شهرستانی اختصاص دهیم و از آنجا که سفر به هر یک از نقاط کشور نیازمند برنامه‌ریزی و فرصت بیشتری بود، در قدم اول و در زمان محدودی که تا چاپ این شماره داشتیم تصمیم گرفتیم از همین دور و اطراف شروع کنیم و این شد که به سراغ اعضای گروه کاریکاتور VIX شهرستان قم رفتیم و با دعوت از آن‌ها زمینه گفت‌وگو با اعضای آن را فراهم کردیم. بنابراین، نشست تخصصی «کیهان کاریکاتور» با اعضای گروه کاریکاتور VIX ۵ مرداد ۱۳۸۵ در محل خانه کاریکاتور با حضور اعضای



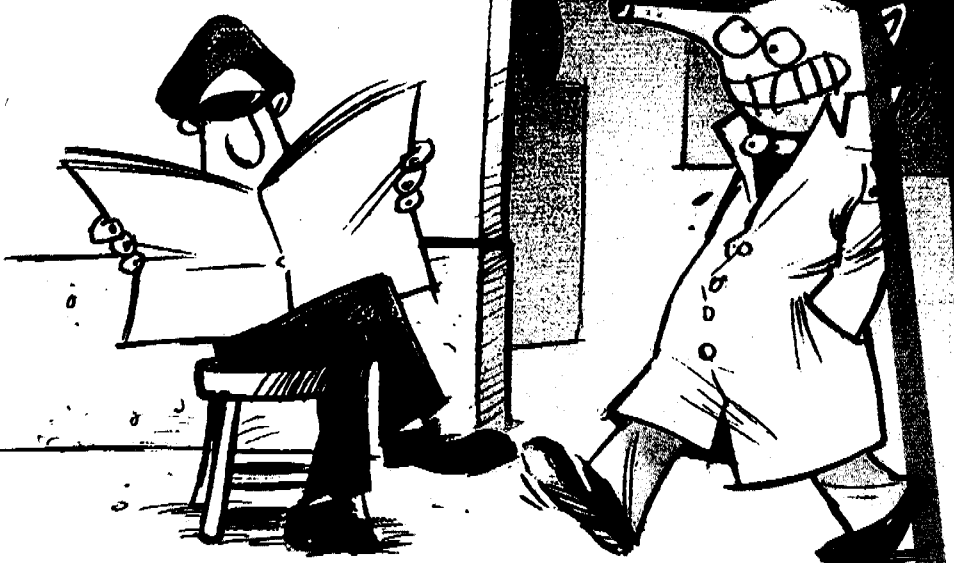


محمدرضا دوست محمدی در این مورد می گوید: بار عجیبی روی کلمه «قم» وجود داشته که گاه کار ما را در جایی سخت می کرد و در جایی راحت، سخت از این جهت که نگاه سایرین به ما همانند نگاهشان به محرومترین نقاط کشور بود و اگر هم موفقیتی به دست می آوریم مثل جشنواره هنرهای تجسمی سال ۷۲ مشهد که از ۱۰ شرکت کننده قمی، ۹ نفرمان برگزیده شدیم، به باندبازی محکوم می شدیم... اما در هر صورت به خاطر کمبود امکانات کسی از ما توقع به خصوصی نداشت و این باعث شده بود با خیالی راحت به فعالیت بپردازیم.

ذهنیت یاد شده باعث می شد که خودمان را یک اقلیت حس کنیم و این تعصب ما را دو چندان می کرد، با وجودی که به عقیده من قمی ها زیاد ناسیونالیست نیستند چون اکثراً پدر و مادرهایی غیرقمی دارند و تعلق خاطر قمی ها به قم تنها به این علت است که در این شهر به دنیا آمده اند و طعم بی امکاناتی و سایر مسائل را چشیده اند. در مورد همین ذهنیت منفی بگویم که همان سال ۷۲، در جشنواره تجسمی مشهد مشغول کشیدن یک کابوی بودم که یک کاریکاتوربست تهرانی که با بهت به کارم نگاه می کرد، گفت: چه جالب، مگر در قم هم می گذارند کابوی بکشید؟!

همین دید باعث شده بود بچه ها خیلی بزرگوارانه تر به مقوله هنر نگاه کنند، دانشگاه که قبول شدم، همکلاسی هایی داشتم که قمی بودند و حتی به شوخی هم که شده

گروهمان اسمی انتخاب کنیم، با کش و قوس های زیادی روبه رو شدیم؛ حتی در مورد اسم هایی چون حاج حسین سوهانی و پسران و ... هم فکر کردیم، اما در آخر «ویکس» مورد موافقت قرار گرفت. شاید به این علت که ویکس همان طور که می دانیم دارویی است در مانگر اما همراه با بویی ناخوشایند برای یک عده! به هر حال، فعالیت در شهری همانند قم به دلیل ویژگی های خاص فرهنگی و اجتماعی و نوع نگرش دیگران نسبت به آن همراه با مشکلاتی بوده است.





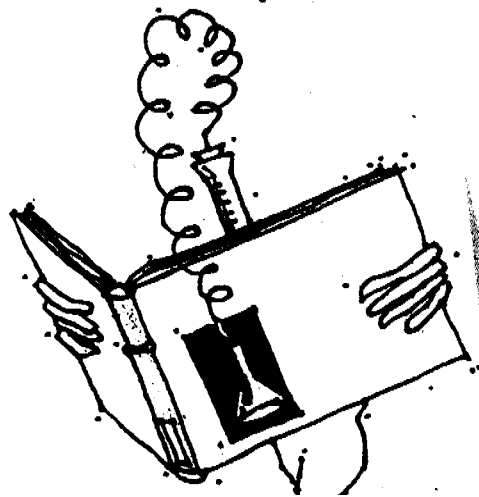
## هنگامی که قرار شد برای گروهمان اسمی انتخاب کنیم، با کش و قوس های زیادی روبه رو شدیم؛ حتی در مورد اسم هایی چون حاج حسین سوهانی و پسران و... هم فکر کردیم

نمی گفتند، ما قمی هستیم. قم فقر و حشمتناکی از لحاظ کلاس های هنری داشته. اما وجود افرادی چون موسی زاده و گل محمدی همیشه باعث شده که افراد راه را برای تلاش در عرصه های هنری مورد علاقه شان پیدا کنند. آقای گل محمدی در طول دوره

مسئولیتش در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم باعث شده بود که علاقه مندان به رشته های هنری دریابند که برای ادامه فعالیت باید از آنجا شروع کنند. به نظر من او را به خاطر پیگیری ها و فعالیت هایش باید شخص اول ۲۰ سال اخیر تجسمی قم دانست.

به هر صورت، قم خوبی هایی هم دارد، علی رغم بی امکاناتی و آب یدمزه اش! یکی از ویژگی های جالب قم تنوع همزیستی و رویارویی با مهاجرانی از شهرها یا حتی کشورهای دیگر است. قم یکی از مهاجر پذیرترین شهرهای ایران است که افغانی، پاکستانی، عرب و حتی طلاب آفریقایی به وفور در آن دیده می شوند. به عقیده من، همین آمیختگی باعث انسجام بیشتر قمی ها شده و در مواردی به لحاظ نسبی وضع مطلوبی حتی مطلوب تر از تهرانی ها پیدا کرده اند.

در قم، نشریات بسیار خوبی در حوزه کودک و نوجوان چاپ می شود، اگر چه کاریکاتور



در آن ها جای کمی دارد، اما تصویرسازی این امکان را به بچه های قم داده تا در این نشریات به فعالیت بپردازند. و به قول فریدالدین مولائی از اعضای گروه، همکاری با نشریات قم همچون «پوپک»، «سلام بچه ها»، «حدیث زندگی» و غیره تجربیات خوبی را در اختیار اعضای گروه قرار داده است.

گروه کاریکاتور و یکس همچنین در ۵ سال فعالیت گروهی خود موفق به برگزاری ۱۵ نمایشگاه شده که اولینشان نمایشگاه گروهی سال ۸۰ در نگارخانه اشراق قم بوده است. بعد از بیان تاریخچه تشکیل گروه و یکس و نحوه فعالیت آن در شهرستان قم، اعضای گروه به معرفی خود پرداختند.

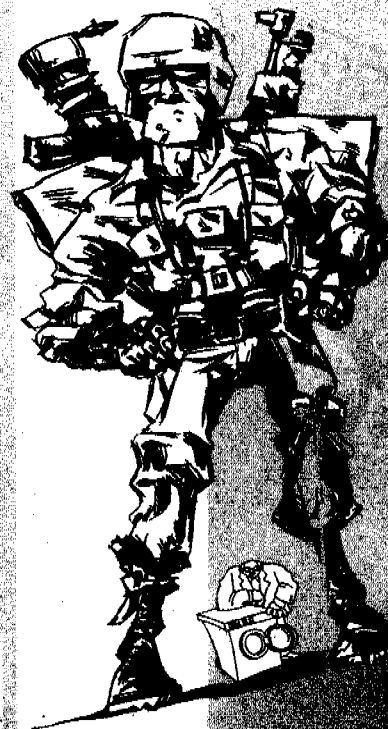
### ● محمد رضا دوست محمد

دوست محمدی در مورد شروع فعالیتش کوید: وقتی ۷ سالم بود پدرم که می دید طراحی و نقاشی علاقه زیادی دارم، من آقای گل محمدی معرفی کرد و من هر هفته انجمن هنرهای تجسمی می رفتم و کارها نشان ایشان می دادم. در دبیرستان، در ریاضی تبحر پیدا کردم و درسم هم خوب اما سال چهارم را نابلثونی دیدم گرفتم اطمینان پیدا نکردم که نمی توانم در دانش

دوست محمدی در میان جوایزی که تاکنون در رشته کاریکاتور به دست آورده، اولین جایزه اش (جشنواره تجسمی سال ۷۲- مشهد) و جایزه اول دوسالانه پنجم را از همه بیشتر می‌پسندند. یکی از کارهای ارزنده‌ای که دوست محمدی انجام داده چاپ ۳۰۰ صفحه کمیک استریپ آن هم در یک سال در روزنامه «جام جم» بوده است. دوست محمدی هم اکنون مدیر هنری همشهری جوان است.

### ● جلال محدثی

سال ۷۸ در رشته معماری دانشگاه تهران قبول شدم و همان سال در خوابگاه که بودم یکی از دوستانم یک کاتالوک خارجی به من نشان داد و گفت بعد از شرکت در یک مسابقه کاریکاتور این کاتالوک را برایش فرستاده‌اند. از طریق همین دوست با «کیهان کاریکاتور» آشنا شدم که نشانی مسابقات خارجی را در اختیار کاریکاتوریست‌ها قرار می‌داد. تابستان همان سال برای چند مسابقه کار کردم و قبل از این‌که کارها را پست کنم به انجمن هنرهای تجسمی قم رفتم تا کارهایم را به آقای موسی زاده که مدیر هنری «کیهان کاریکاتور» بود نشان دهم. همانجا فراخوانی را دیدم که انجمن از علاقه‌مندان به کاریکاتور برای تشکیل گروه کاریکاتور دعوت کرده بود. ابتدا ۲۰-۳۰ نفر بودیم که رفته رفته افرادی که توانایی بیشتری داشتند به همت آقایان موسی زاده و گل محمدی انتخاب شدند و جمعی شکل گرفت و جلساتی تشکیل شد. در فضای سیاسی دور دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی، در روزنامه «ملت» کاریکاتور می‌کشیدم که وقتی آدم‌های سیاسی و کله‌کنده در مورد کارم نظر می‌دادند واقعا انگیزه می‌گرفتم تا کارم را ادامه بدهم. محدثی تاکنون با نشریات «سروش»، «رشد» و «جام جم» همکاری داشته و به



در رشته‌ای به غیر از هنر شرکت کنم. آن موقع آقایان نوری و موسی زاده دانشجوی گرافیک بودند که وقتی کارهایشان را دیدم، به این نتیجه رسیدم که گرافیک همان چیزی است که می‌خواهم. این شد که لیسانس گرافیک گرفتم و سال قبل هم فوق لیسانس انیمیشن را تمام کردم.

موسسه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



نازکی کارشناسی ارشد معماری را به پایان رسانده و هم‌اکنون به کار انیمیشن و تصویرسازی مشغول است.

### ● هادی طبسی

یکبار در تلویزیون برنامه‌ای در مورد کاریکاتور دیدم و کاریکاتور نیست هایی که گرافیک خوانده بودند. این شد که در تنها هنرستان قم که رشته گرافیک داشت، ثبت نام کردم و در آنجا با آقای پیریایی آشنا شدم و از طریق او با آقایان گل‌محمدی و موسی زاده ارتباط برقرار کردم و بعدها عضو گروه کاریکاتور «ویکس» شدم.

فوق دیپلم گرافیک دارم و معاف از سربازی و علاقه‌مند به تصویرسازی و انیمیشن. در دو سالانه پویانمایی ۸۲، من و آقایان مختاری و مولایی و پیریایی یک انیمیشن ۱/۵ دقیقه‌ای ساختیم به اسم قورباغه که ایده‌اش از یکی از کاریکاتورهای محمود مختاری گرفته شده بود. این انیمیشن به بخش بین‌الملل جشنواره هم راه پیدا کرد. مولایی در مسابقه کاریکاتور حیدرآباد هند ۲۰۰۴ که با موضوع کمبود آب برگزار شد، جایزه ویژه کسب کرد که همین جا از مسئولان محترم هندی می‌خواهیم پس از گذشت دو سال جایزه نقدی را به دست این کاریکاتور نیست خوب قمی برسانند!

### ● محمود مختاری

کارم تصویرسازی و کاریکاتور است. شروع کارم با انجمن هنرهای تجسمی قم بود، مثل بقیه بچه‌ها...

با «گل آقا» و «توانا» ارتباط داشتیم و اسم تمامی کاریکاتور نیست‌ها را به خاطر می‌سپردم و همیشه کارهایشان را دنبال می‌کردم. یک روز رفتم انجمن بینم کلاس کاریکاتور دارند یا نه که متوجه شدم یک کلاس کاریکاتور هست گویا استادش از تهران می‌آید! خیلی خوشحال شدم و رفتم اسم نوشتیم و منتظر کسانی چون حسین پور، درخششی و یا مانا نیستانی بودم که دیدم استادمان آقای دوست محمدی است.

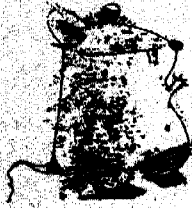
کمی وارفتیم چون اسمش را نشنیده بودم! البته بعد که کارهایش را دیدم خیلی به ایشان علاقه‌مند شدم.

جایزه سوم مسابقه ترور و تروریسم خانه کاریکاتور از جوایز مهمی است که مختاری به دست آورده است. وی هم اکنون با نشریات «رشد» و «سروش» همکاری دارد.

### ● فریدالدین مولایی

کلاس اول راهنمایی بودم که متوجه شدم رشته‌ای به نام هنر وجود دارد و تصمیم گرفتم در این رشته درس بخوانم. به طراحی خیلی علاقه داشتیم و ۵،۶ ترم در کلاس‌های طراحی آقای گل محمدی شرکت کردم. بعد در کلاس‌های تصویرسازی آقای دوست محمدی هم شرکت کردم. یادم می‌آید آقای دوست محمدی یکی از سفارش‌های تصویرسازی خودش را که از «سلام بچه‌ها» گرفته بود، به من داد تا کار کنم و به این صورت به صورت حرفه‌ای وارد این عرصه شدم.

از توصیه‌ها و راهنمایی‌های آقای موسی زاده نه تنها من بلکه همه بچه‌های گروه استفاده کرده‌اند. او باعث شد همه ما شخصیت فردی خودمان را در آثارمان پیدا کنیم و این باعث شد شبیه هم کار نکنیم و هر کدام راه خودمان را برویم.



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





در قم به تصویرسازی و در تهران به کار انیمیشن مشغول هستم.

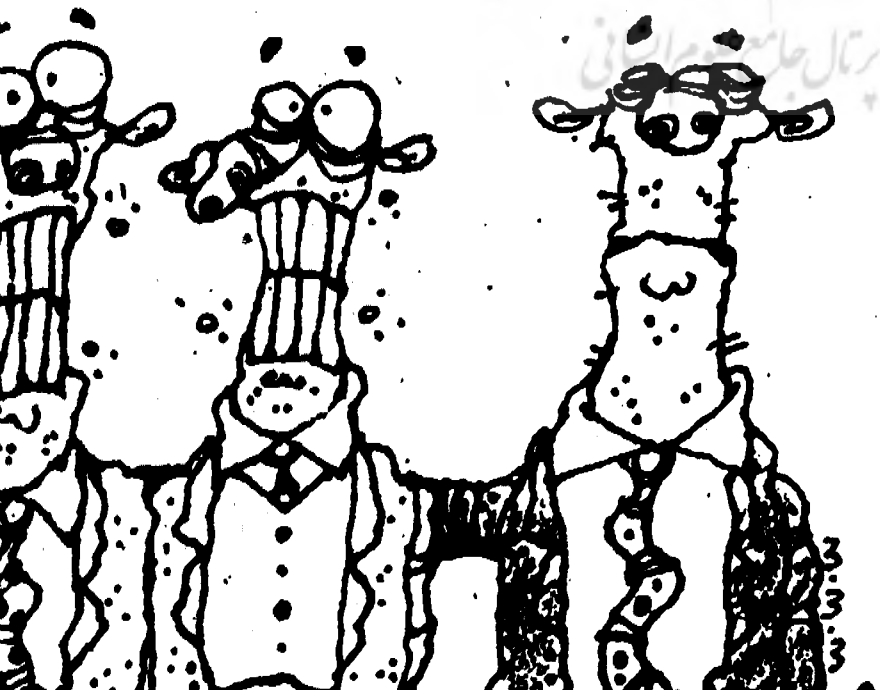
در پایان و به عنوان حسن ختام این نشست، بار دیگر همانند ابتدای جلسه، با آقای موسی زاده تماس تلفنی برقرار شد و او ضمن تشکر از اعضای گروه کاریکاتور ویکس و شرکت کنندگان در این نشست، طبق قرار قبلی مان کمی در مورد سفر اخیرش به فرانسه صحبت کرد. او به ذکر یک نکته از این سفر قناعت کرد و گفت: نکته مثبتی که در این سفر به آن رسیدم این بود که در کشوری مثل فرانسه بستر رشد و فعالیت برای همه رشته‌ها و شاخه‌های هنری بسیار زیاد است و هنر در این کشور واقعا قابل احترام است. همچنین در فرانسه هم کاریکاتوریست‌هایی هستند که جایشان خالی است و امرار معاش درستی ندارد، اما حداقل از این جهت راضی‌اند که حرفه‌شان جایگاهی دارد و در آن جامعه پذیرفته شده است و کسی تحقیرشان نمی‌کند. در خیابان‌ها و اماکن عمومی دیدم که

ای که مولایی به دست خانه کاریکاتور در جماعی است. فریدالدین پیلم گرافیک است.

### متأسفانه ایران مخاطبان کاریکاتور یک عده ای خاص تشکیل می‌دهند. وقتی یک نمایشگاه کاریکاتور برگزار شود، قطعاً خیلی‌ها داخل نمی‌شوند تا ببینند چه خبر است

به آنجا رفتم و دنیای جدیدی به رویم باز شد. باید بگویم من ۸ سال در حوزه علمیه قم درس خوانده‌ام که البته الان آن را کنار گذاشته‌ام. اما اصلاً پشیمان نیستم، چون آن ۸ سال برایم خیلی مفید بود و الان اگر قرار باشد حرفی بزنم، می‌توانم با ابزار هنر بزنم. گذشته از لذتی که هنر برایم به همراه دارد. در حال حاضر، سه روز را در قم و سه روز را در تهران هستم و به صورت حرفه‌ای

دعای دشتکی  
شش عجیبی نسبت به من وجود داشت، اما با این آشنا نبودم. سرانجام در یک وقت با شاعر نقاشی فریدالدین پیلم به صاحب مغازه رفتم تا این فکر که صاحب مغازه همان این همه وسیله طراحی و طراحی کند، حتما هنرمند بزرگی است، داخل مغازه شدم و از استاد خواستم نظرش را راجع به کارهایم بیان کند. صاحب مغازه که خیلی تعجب کرده بود گفت از نقاشی و طراحی سررشته‌ای ندارد و به من پیشنهاد کرد که اگر علاقه‌مند به یادگیری هستم به انجمن هنرهای تجسمی بروم که درست در سمت دیگر خیابان روبه روی مغازه مذکور قرار داشت.



کاریکاتور نیست‌ها و نقاش‌ها به راحتی کار می‌کنند و این برای همه پذیرفته شده است و مسئله عجیبی نیست. مثلاً در کنار ترده های یک کلیسا تعدادی کمیک استریپ نمایش داده شده بود و مردم شاهد نمایشگاهی در فضای باز و بدون ورودیه بودند. این کارهای قشنگ را در ایران هم می‌توان انجام داد و کاریکاتور را می‌توان به میان مردم برد. وقتی مردم از نزدیک شاهد اجرا و تولید یک اثر باشند، آن را بهتر درک می‌کنند. متأسفانه، در ایران مخاطبان کاریکاتور را یک عده‌ای خاص تشکیل می‌دهند. وقتی یک نمایشگاه کاریکاتور برگزار شود، قطعاً خیلی‌ها داخل نمی‌شوند تا ببینند چه خبر است اما در خیابان یا مکان های عمومی یک نمایشگاه موقت توجه هر عابری را جلب می‌کند. موسی زاده در پایان، با تشکر از بچه های کاریکاتور است شهرستانی گفت: کارکردن در شهرستان‌ها بسیار دشوار است و شهرستانی‌ها برای شناخته شدن و صعود به سطوح بالا نیازمند جدیت و تلاش فراوانی هستند و باید درخت مقاومتی بود تا در شهرستان دوام آورد!

